

سراب

علی فلسفی میاب، مریم ابوالفتحی

زلیخا قرنچیک، هجیر عزیز

شهرستان سراب در جنوب شرقی استان آذربایجان شرقی واقع شده است. این شهرستان از شمال به شهرستان‌های مشکین‌شهر و هریس، از شرق به استان اردبیل از جنوب به شهرستان میانه و از غرب به شهرستان بستان‌آباد محدود است. در این گفتار به بررسی بخشی از میراث پزشکی سنتی این منطقه می‌پردازیم.

بیماری‌های روحی

ترس از موجودات وهمی نظیر جن در روستاهای میراکوه اگر فردی ترسیده باشد، ابتدا گوسفندی را ذبح کرده، خون آن را بر بدن بیمار می‌مالند، و پوست گوسفند را نیز بر تن بیمار می‌کشند و بعد از آن بیمار را با روش یتدی لمه (yedy lama) درمان می‌کند. یعنی تعداد نوع وسیله نظیر الک، قاشق، طناب، لنگه کفش، ساج جارو و پیراهن خود بیمار را در آتش می‌سوزانند، تا ترسش بریزد. اگر کودک ترسیده باشد مقداری از پشت گردن پیراهن وی را می‌برند، و نزد ملا می‌برند، وی دعای مخصوص را می‌خواند سپس فردی باید دعا و تکه پیراهن را به رودخانه یا جایی که ترسیده است ببرد. با یک میخ بر زمین محکم کند و بدون تکلم با کسی به خانه برگردد. در هنگام کوبیدن میخ بگوید: «قوروخی وگسدوک فلان ملادان ترست را ریم با دعای فلان».

چشم‌نظر بر تخم‌مرغ اسامی افرادی که معمولاً با بیمار ارتباط دارند یا به شورچشمی مشهورند نوشته، اگر بیمار از کسی که چشم‌شور بوده نظر شده باشد، همین که به نام برسد تخم‌مرغ می‌شکند. مقداری از زرده تخم‌مرغ را بر پیشانی بیمار مالیده، مابقی را در در آب روان می‌ریزند، سپس مخفیانه مقداری از خاک کفش فرد شورچشم را با مقداری از نخ و پارچه پیراهن وی به دست آورده با اسپند می‌سوزانند. و دود آن را بر بدن بیمار می‌رسانند.

- روی تخم‌مرغ دعای دفع چشم‌زخم را خوانده سپس تخم‌مرغ را داخل یکی از لباس‌های بیمار

می‌گذارند و نام افرادی که چشم‌شوری‌شان مشهور است یک به یک می‌خوانند. تخم‌مرغ را حین خواندن یکی از آن‌ها می‌ترکد و چشم‌نظر درمان می‌شود.

چله‌بری اگر زنی دچار نازایی بعد از زایمان اول شده باشد، مقداری زاج را زیر بالش سرش قرار داده صبح آن را برداشته می‌سوزانند، خاکسترش را در آب می‌ریزد، هر شکلی بیفتد که معتقدند که بیشتر شکل پرنده آنفوت است. نزد دعانویس می‌روند و دعای مخصوص را از وی گرفته، مقداری از دعا را در آب حاوی زاج ریخته آن را به دست نابالغ می‌دهد تا از ناودان بر سرش بریزد و چله‌اش بریده شود.

پری‌زدگی برای فردی که توسط موجودات وهمی نظیر جن یا پری بیمار شده باشد از روش‌های زیر استفاده می‌کنند:

- یکی از پیراهن‌های بیمار را با اسپند می‌سوزانند.
 - گوسفندی را سربریده تن بیمار را با خون گوسفند آغشته می‌کنند.
 - هفت چیز همانند الک، قاشق، طناب، کفش، جارو و ساج را اصطلاحاً یئدی لمه می‌کنند، هر کدام از آن‌ها را یک بار بر پشت بیمار زده بالای سر بیمار به اطراف پرتاب می‌کنند. در نهایت، جارو با اسپند داخل ساج سوزانده دود آن را به بدن بیمار می‌رسانند.
 - در صورتی که بیمار زیاد حرف بزند و حرکات نامتعادل نشان دهد، در خاکستر گرم می‌خوابانند.
- چشم‌نظر** مقداری اسپند را با تکه‌ای از پارچه لباس فردی که شورچشم است یا مقداری از خاک، در کفش وی به همراه پهن گاو و خاک سرد در خانه همان فرد (شورچشم) می‌سوزانند.

بیماری جسمی

سردرد

- دم کرده گیاهان کاکوتی و سیم‌اوتی می‌نوشند.
- دم کرده یاریپیز (yârpiz) نوشیده، بخار آن را استنشاق می‌کنند.
- با استفاده از سر قوری بر پیشانی بادکش می‌کنند.
- زنجبیل را گرم کرده روی پیشانی می‌مالند.
- دم کرده گیاهان پونه، کاکوتی، و سیم‌اوتی (simkešuti) دم کرده می‌نوشند.

گوش‌درد

- روغن حیوانی را در پوست پیاز گرم کرده چند قطره در گوش می‌چکانند.
- دود سیگار یا قلیان را در گوش فوت می‌کنند.
- گیاهی موسوم به سیم‌اوتی را می‌جوشانند مقداری ماست، آرد و روغن حیوانی را با دم کرده سیم‌اوتی خمیر کرده خمیر را روی گوش می‌بندند.

گلودرد

- نزد دعانویس رفته وی دعایی که برای درمان گلودرد به کار می‌رود با آب بر گردن بیمار می‌نویسد.
- تخم‌مرغی را نزد دعانویس برده بعد از خواندن دعای مخصوص رفع گلودرد به نحوی که بیمار کاملاً بترسد ناگهان بر گردن بیمار می‌زنند.
- آرد و روغن را سرخ کرده با ماست داغ شده و آب (دم کرده پونه) مخلوط کرده، می‌جوشانند تا اندکی غلیظ شود، خمیر آماده شده را بر دستمال ریخته بر گردن بیمار می‌بندند.
- نوعی سنگ معدنی به نام قارقادوزی (qarqadozi) را با مقداری آب ساییده و بر گلو می‌مالند.
- سنگ زاجه را گرم کرده کوبیده بر گردن و گلو می‌بندند.
- تنباکو را با زرده تخم‌مرغ کوبیده مانند ضماد بر گلو می‌بندند.

گلودرد ناشی از ترس باشد

تخم‌مرغ خام را نزد دعانویس برده وی دعای مخصوص گلودرد را روی پوست آن می‌نویسد، سپس تخم‌مرغ را ناگهان بر گردن بیمار می‌زنند تا بشکند گلودرد رفع می‌شود.

چشم‌درد

- شیر زن دخترزا را در چشم بیمار می‌ریزند.
- با چای تازه دم چشم را می‌شویند.
- گیاهی خودرو به نام اوزون دیل (ozon dil) را کوبیده چند قطره از آب آن را در چشم می‌ریزند، معمولاً اگر در چشم خون افتاده باشد با این روش رفع می‌شود.
- زاج را به همراه مقداری تریاک گرم کرده (می‌سوزانند) سپس آن را ساییده با روغن حیوان مخلوط کرده دور تا دور چشم می‌مالند.
- پوست خشک‌شده مار را می‌سوزانند، دود آن را به چشم می‌رسانند، و اگر بیمار بتواند، جویدن مقداری از پوست مار نیز نافع است.

میخچه را به نام قره‌میخ (qara mix) می‌شناسند.

- کشمش را با قیر می‌کوبند سپس روی دانه می‌بندند.

تورم ناگهانی بعضی از اندام بدن

- از هفت همسایه خوراکی گرفته، از آن‌ها چیزی پخته به ناگهان بر پشت بیمار می‌کوبند در حالی که یک لقمه از آن خوراکی در دستشان است و در همان حین نیز می‌گویند: آلا اومدوگون گلدی (بگیر آنچه هوس کرده بودی آمد).
- در روستای تازه‌کند کباب می‌پزند و ناگهان بر پشت بیمار می‌زنند.

گل مژه

- در نقاط بررسی شده این بیماری را ایت دیوسرگی (itdirsargi) می نامند.
- از ادار کودک نابالغ بر چشم دانه زده می مالند.
- معتقدند اگر چشم گل مژه ای را نجس کنند، زودتر بهبود می یابد، از این رو چکاندن چند قطره خون موش را نافع می دانند.
- قاشق چوبی را گرم کرده ناگهان نزدیک چشم می آورند تا بیمار احساس ترس کند و گل مژه بیفتند.
- سرمه را بر چشمی که گل مژه زده می مالند، تا چشم گل مژه دار از حسودی گل مژه اش بترکد و خوب شود.
- یکی از ساقه های جاروی توال را بر دانه گل مژه می زنند چون معتقدند با نزدیک شدن چیز ناپاک دانه می افتد.

طرز تهیه سرمه

- کره را ذوب کرده تا روغن زرد حیوانی تهیه شود، سپس فتیله ای را در دامن روغن قرار داده روشن می کنند، قابلمه ای را روی فتیله قرار داده، دوده حاصل از سوختن را از پوست قابلمه جمع کرده مانند سرمه استفاده می کنند.
- محل نگهداری سرمه پوست پای مرغ را ابتدا با آرد می مالند تا کاملاً خشک شده و چربی جدا شود، بعد از آن با روغن حیوانی می مالند تا نرم شده و انعطاف پذیر شود، سپس سرمه را در آن می ریزند و نگهداری می کنند چوب میل سرمه را نیز از استخوان ساییده شده شتر می سازند.

خروسک

- آب لپه جوشانده می نوشند.
- آب قلیان می نوشند.
- لوزه کوچک را با ناخن می خراشند، تا چرک و خون خارج شود.
- ادارار کودک نابالغ می نوشند.
- تنباکو را در زرده تخم مرغ خیسانده سپس بر گلوی بیمار می بندند.
- با سوزن حلق بیمار را خراش می دهند تا چرک خارج شود، با دم کرده یارپیز (yârpiz) دهان را غرغره می کنند.

خون دماغ

- فرق سر را با دستمال خیس و سرد می بندند.
- بند قرمز رنگی را به انگشت کوچک بیمار می بندند.
- سبزی تره را کوبیده چند قطره از آب آن را در دماغ می چکانند.
- مدفوع سگ را سوزانده، دود آن را در داخل دماغ بیمار فوت می کنند.
- پوست تخم مرغ را سوزانده دود آن را استنشاق می کنند.

دندان درد

- آب نمک غرغره می‌کنند.
- آب، آرد، دم کرده پونه را خمیر کرده، بر دهان می‌بندند، تا چرک دندان خارج شود.
- بعد از کشیدن دندان در جای خالی دندان تخم‌مرغ آب‌پز شده می‌گذارند بدین ترتیب خونریزی قطع می‌شود.
- با آب‌نمک دهان را غرغره می‌کنند.
- سابیده باقالی را پای دندان متورم و آسسه‌شده می‌ریزند تا عفونت خارج شود.
- گیاهی موسوم به سیم‌اوتی را دم کرده با آب آن چند روز متوالی دهان را می‌شویند.
- بعد از کشیدن دندان روغن حیوانی ولرم یا زرده تخم‌مرغ نیم‌بند روی جای خالی دندان می‌گذارند.

چرک رحم

- زرده تخم‌مرغ را با کاکوتی، اوزون دیل، چوگان، و قره کوبیده تا همانند ضماد شود به صورت حبه‌های کوچک درآورده داخل رحم شیاف می‌کنند.
- زرده تخم‌مرغ را با دنبه گاو کوبیده، به صورت حبه‌های کوچک شیاف درست کرده، استعمال می‌کنند.
- عض کوضجی را پخته بعد از کوبیدن با روغن حیوانی ضماد کرده شیاف می‌کنند.

کرم شکم

- گل‌پونه را دم کرده می‌خورند.
- گل‌ها و ساقه بومادران را دم کرده می‌خورند.
- بادام تلخ را ناشتا می‌خورند.

کرم معده در نقاط بررسی شده دم کرده گیاه بومادران را برای از بین رفتن کرم معده نافع می‌دانند.

برفک دهان با موهای زنی که بعد از مرگ شوهرش با برادر شوهرش ازدواج کرده دهان کودک را پاک می‌کنند.

سکسکه معتقدند اگر کودک و یا هر فردی که دچار سکسکه شده است را با تهمت ناروا مانند دزدی کردن بترسانند سکسکه رفع می‌شود.

- ۷ قورت آب را یک دفعه بخورد خوب می‌شود.

- ناگهان به گردن بیمار با چیزی می‌زنند تا احساس ترس کند و خوب شود.

سل

- برای درمان قارچ وحشی و گیاهی به نام دوشان توپوقی (došan topoqi) (قوزک پای خرگوش) را آب‌پز کرده می‌خورند.
- دم کرده پونه و کاکوتی می‌نوشند.
- به بیمار آش عدس و نخود می‌دهند.

یبوست

- تخم مرغ محلی را با کهلی اوتی، اوزون دیل، خرما، مخلوط کرده می کوبند تا همانند خمیر شود سپس شیاف می کنند.
- صابون تازه را شیاف می کنند.
- شیر گاو را گرم کرده می نوشند.

اسهال

- جوشانده گیاه بومادران می نوشند.
- غوزه گل سرخ را دم کرده می نوشند.
- گل پونه را با نبات دم کرده می نوشند.

شاش بند

- فرد بیمار را در آب ولرم می نشانند، اگر کودک باشد شکر را با آب مقداری خیس کرده روی آلت بیمار می گذارند، و یا اینکه شکم بیمار را با دست می مالند.
- موی گربه را روی آلت بیمار (کودک) می گذارند.
- پارچه پشمی یا جوراب پشمی را خیس کرده روی آلت بیمار می گذارند.
- خانه بلبل را سوزانده دود آن را به بدن و آلت بیمار می رسانند.

سرخک

در این منطقه بیماری از بیماری های مهلک و خطرناک بود. از این رو، هرگاه کودکی به آن دچار می شد، معمولاً تا زمانی که دانه ها بیرون نریزد، کسی خبر نمی دادند و چون معتقد بودند که این بیماری مبارک است و نسبت به نجاست حساس هرگاه فردی ناپاک (کسی که غسل بر گردن دارد) به کودک بیمار نظر بیندازد بیماری به مخاطره می افتد و حتی می میرد.

طول مدت بیماری ۹ روز بوده است، که در روز اول بیمار احساس تب و درد دارد، همانند سرماخوردگی آبریزش از دماغ و چشم شدید است، در این مدت اگر آگاه باشند که این نشانه بیماری سرخک است، بایستی تن بیمار را از سرما محفوظ نگه داشته، در جای گرمی بخوابانند تا تب کرده و دانه ها بیرون بریزد.

در بالین بیمار، اسپند و چند عدد تخم مرغ و سیخ و پول قرار می دهند تا اگر اتفاقاً فرد چشم شوری وارد اتاق کودک شد، آسیبی به بیمار نرساند.

- اگر غفلتاً فردی بر بالین کودک بیمار می آمد، یک الک بر بالای سرش قرار داده، با مقداری آب اصطلاحاً بیمار را هفت بار، قیریخ لی یار دی لر (qiz li yâr dilar) (چله بری می کردند) و در حین چله بری مدام صلوات می فرستادند. در تمام مدتی که کودکی بیمار است و حتی دانه ها بیرون ریخته است، روی صورت کودک را دستمال قرمزی می اندازند، تا چشمش افراد ناپاک را نبیند.

بدین ترتیب بعد از ۳ روز نیز دانه ها بیرون ریخته و بعد از سه روز که مدام با خارش دانه ها همراه است،

بیماری پایان می‌پذیرد، بعد از ۹ روز تن بیمار را با دم کرده شاه‌تره، حنا و یا دم کرده برگ بید می‌شویند تا آثاری از زخم نباشد.

- اگر فرد ناپاک بر کودک نظر بیفکند چون معتقدند که این دانه‌ها از استخوان بیرون می‌ریزد، دانه‌ها ظاهر نمی‌شوند، و به قلب بیمار رفته و بیمار را خفه می‌کند.

- بعد از ۹ روز تخم‌مرغ‌ها را در آب می‌اندازند.

- در طول مدت بیماری به بیمار فقط شیر گرم و عدس می‌دهند.

- در روستای میراکوه عدس را آب‌پز کرده می‌کوبند تا خمیر شود، سپس آن را بر سینه و کمر بیمار می‌مالند.

- در روستای قارقا از پوست‌های خشک بیماران قلبی آبله‌کوبی می‌کنند.

تنگی نفس

- خون یا گوشت خرگوش می‌خورند.

- کباب جگر سفید روباه را مصرف می‌کنند.

ورم مفاصل

- گوشت جوجه تیغی آب‌پز می‌خورند.

مخملک

- با آب نمک آب‌تنی می‌کنند.

- خاکشیر را با سفیده تخم‌مرغ زده می‌خورند.

- شاخ و برگ گیاه گزنه را به تن بیمار می‌زنند.

- با استفاه از کوزه بادکش می‌کنند.

- در اوایل بهار حجامت می‌کنند.

- کهلی‌اوتی را سوزانده دود آن را به بدن بیمار می‌رسانند.

استفراغ

- ماست و پونه را مخلوط کرده می‌خورند.

تب

- بیمار را در بستری از برگ‌های درخت بید می‌خوابانند، به علت خنکی برگ‌ها، بیمار احساس خنکی می‌کند.

- خاکشیر را با آب سرد و نبات مخلوط کرده همانند شربت می‌نوشند.

زگیل

برای درمان مقداری گوشت را نزد دعانویس برده وی دعای مخصوص رفع زگیل را بر تکه گوشت خوانده سپس آن گوشت را ورودی منزل دفن می‌کنند با پوسیده شدن گوشت زگیل نیز برطرف می‌شود.

- فردی که زگیل درآورده است باید مخفیانه مقداری گوشت و جو را از مادرش بدزدد و به همراه میخ بعد از مالیدن تمامی آن‌ها بر دانه زگیل آن را در توالی بیندازد، به محض پوسیدن گوشت، زگیل نیز رفع می‌شود.

- دانه زگیل را با چاقویی که داغ کرده‌اند می‌برند سپس روی زخم نمک می‌گذارند تا خوب شود.
- شیر گیاه سوت تیآن (sut tiyān) را بر زگیل می‌مالند.
- به آبگرم روستای آبگرم می‌روند.
- معتقدند اگر بر دانه زگیل چیز ناپاک همانند پیشاب کودک بریزند رفع می‌شود.
- شیر گیاهی موسوم به چرتیخ‌گولی را روی زگیل می‌مالند.

درد کلیه

- دم کرده گیاهان بالدیرگان (bâldirgân) و گیلدیک (qulidik) را می‌نوشند.
- جداره داخلی سنگدان مرغ را دم کرده می‌نوشند.
- خوردن ترب سیاه برای انداختن سنگ کلیه مفید است.
- هندوانه دیمی را در چند مرحله می‌خورند تا سنگ کلیه را بیندازد.

شکم درد

- دم کرده زنجبیل و نبات می‌نوشند.
- دانه بادام تلخ را صبح‌ها ناشتا می‌خورند.
- دم کرده گل بوی‌مادران را می‌نوشند.
- به آبگرم روستای آبگرم می‌روند.

بادفتق

- اگر فردی ختنه نشده باشد، خایه‌هایش ورم می‌کند، بنابراین، اگر زودتر ختنه شود بهتر است.
- برای درمان فتق در کودکان شیرخوار که امکان عمل کردن میسر نیست، کره (روغن الاغ) را روی آلت می‌مالند تا ورم را از بین ببرند.

نازایی اگر فردی بر اثر افتادن چله نازا شده باشد، شب هنگام خواب مقداری زاج را زیر سرش می‌گذارند، سپس صبح آن را می‌سوزانند و سوخته‌اش را در آب می‌ریزند، بعد از سرد شدن شکلی به وجود می‌آید که آن را تشبیه می‌کنند (معمولاً به حیوان، زن، مرد و...) نزد دعانویس رفته وی دعای مخصوص چله‌بری را بر تعدادی تار نخ خوانده، آن تار نخ را در کاسه آب حاوی زاج انداخته، آن را از ناودان رو به قبله در حالی که دختر نابالغی آب را رها می‌کند بر سر زن می‌ریزند تا چله‌اش بریده شود.

سیاه‌سرفه

- شیر الاغ می‌نوشند.
- بیمار را، صبح زود قبل از طلوع آفتاب به صحرا می‌برند و از شب‌نم‌های روی گیاهان می‌نوشند.

- شیر مرغ می‌خورند.
- در روستای قارقا، ابتدا عروسکی پارچه‌ای می‌سازند، کودک را به همراه عروسک سوار الاغ می‌کنند و تونلی از خاکروبه ساخته، کودک بیمار را سه بار از تونل خاکروبه عبور می‌دهند، در پایان عروسک را به آب انداخته، مقداری شیرینی و پول به فردی که کودک را از خاکروبه عبور داده می‌دهند.
- گل‌گاوزبان تکلی‌جه قدام را دم کرده می‌نوشند.
- گل زرد، دانه به، غوزه گل سرخ را دم کرده می‌نوشند.
- بر کدوی قلیانی دعای مخصوص درمان سیاه‌سرفه را می‌نویسند و آن را بر گردن بیمار می‌بندند.
- آب لپه می‌نوشند.

ورم لوزه

- دم کرده پونه می‌نوشند.
- پوست نارنج را دم کرده می‌نوشند.
- بعد از بالا کشیدن لوزه کوچک به بالا با استفاده از انگشت سیب‌بیه نبات گرم شده را بر لوزه‌ها می‌مالند.
- فسله مرغ را می‌جوشانند، تا مانند خمیر رقیق شود، بعد از بالا کشیدن لوزه‌ها با انگشت فسله مرغ را روی گلو بیمار می‌بندند.
- پوست نارنج را کوبیده، انگشت سیب‌بیه را به آن آغشته کرده، لوزه را با همان انگشت می‌فشارند سپس دم کرده یارپیز می‌نوشند.
- زاج را گرم کرده، انگشت سیب‌بیه را به آن آغشته کرده بر لوزه متورم فشار می‌دهند.
- ابتدا با انگشت شست دهان را به سمت بالا کشیده سپس انگشت سیب‌بیه را به «قارقادوزی» آغشته کرده بر لوزتین می‌مالند.

افتادن ناف

اگر در ناحیه شکم احساس درد، بی‌چسب شود، می‌فهمند که ناف افتاده است. برای درمان ابتدا روی ناف را آن قدر می‌مالند تا کاملاً گرم شود، سپس تمام پوست شکم را روی ناف با دست جمع می‌کنند و اصطلاحاً گره می‌زنند تا ناف خوب شود. این کار را زنان حاذق انجام می‌دهند.

مارگزیدگی

موضع گزیدگی را تیغ زده خون و زهر را با دهان می‌مکند تا خارج شود، اگر موفق به گرفتن مار شوند، دم مار را روی زخم می‌گذارند تا خوب شود.

زنبور گزیدگی

- دانه گشنیز را دم کرده می‌نوشند.
- از گل‌های رسوب‌شده اطراف رودخانه می‌مالند.

گاز گرفتن سگ اگر کسی را سگ هاری گاز بگیرد، امروزه به دکتر می‌روند اما در کنار آن معتقدند اگر مقداری از خمیر خانه صاحب سگ را دزدیده و بر محل گازگرفتگی بگذارند، زود درمان می‌شوند. - در گذشته اگر فردی را سگ هار گاز می‌گرفت، مجنون می‌شد. برایش از دعانویس دعا می‌گرفتند. - موضع درد را با دوغ می‌شویند.

بیماری‌های پوست و مو

خشکی پوست که اصطلاحاً آن را دمپرو می‌نامند. کشمش را با زنگ آهن مخلوط کرده می‌کوبند و ضماد حاصل را روی پوست می‌مالند.

ترک پاشنه پا معتقدند ترکیدن پاشنه پا بر اثر حرارت و گرمی بدن است. برای درمان، نوشیدنی خنک می‌نوشند.

- با روغن حیوانی چرب می‌کنند.

- سقز نجویده را حرارت داده با ساییده گیاهی موسوم به مومورگان و حنا به پاشنه پا و کف می‌بندند تا حرارت بدن را بیرون بکشد.

خارش

- شست و شوی تن بیمار با حنای آمیخته شده با دم‌کرده شاه‌تره را مفید می‌دانند.

- عرق شاه‌تره می‌نوشند.

- عرق شاه‌تره و حنا را ضماد کرده بر تن بیمار می‌مالند.

سرماخوردگی

- دم‌کرده گیاهان بیزاشو (bizäšow) و قوش‌اوزدمی (gušozomi) را می‌نوشند.

- بادکش می‌اندازند برای این کار مقدار کمی نمک را در دستمال ریخته به نفت آغشته کرده با کبریت روشن می‌کنند، بلافاصله داخل کوزه یا استکان انداخته بر پشت کمر مابین کتف‌ها می‌چسبانند، همین که آتش خاموش شود، پوست زیر دهانه کوزه یا استکان متورم شده مقداری خون زیر پوست جمع می‌شود، بعد از جدا شدن آن از پوست سطح پوست را با تیغ خراش می‌اندازند.

- حجامت می‌کنند این عمل توسط ماما انجام می‌شود، ابتدا چند خراش کوچک در پشت پوست ایجاد می‌کند، سپس با شاخ گاو پوست را می‌مکد تا با مکش پوست خون‌آلوده خارج شود.

- قبل از خوابیدن مقداری بیزاشو را می‌خورند.

- آش اوماج مرکب از عدس، پیاز، فلفل، و سبزیجات (مرزه، ریحان، تره) و پرک آرد می‌خورند.

- گل زرد (نوعی گیاه خودرو همانند گل سرخ) را با شیر جوشانده می‌نوشند.

تبخال ساییده کوزه آب یا کوزه‌های شکسته شده در داخل چشمه را روی تبخال می‌مالند.

- با قاشق سرد یا کوبه فلزی درهای قدیمی تبخال را می‌ترسانند.

- مقداری از خاک کف مکانی که شبها می خوابند برداشته بر گوشه زخم می پاشند.
- کشک را پشت قابلمه‌ای، که از دود سیاه شده، می مالند، سپس همان کشک را روی زخم می مالند.

زرد زخم

- پوست هندوانه را سوزانده با کره مخلوط کرده روی زخم می مالند.
- چشم گوسفند قربانی عید قربان را با حنا می سابند و بر زخم می پاشند.

کچلی

- پوست هندوانه را سوزانده سپس با کره مخلوط کرده روی زخم کچلی می مالند. این کار را پنج یا شش بار تکرار می کنند.
- در روستای سراب مردی هست که کچلی را با استفاده از جرقه‌های سنگ چخماق درمان می کند، وی این کار را از پدر به ارث برده است.

زردی

- قطعه‌ای طلا را در آب انداخته با آن آب تن بیمار را می شویند.
- مهره زردی را در آب انداخته با آن آب تن بیمار را می شویند.
- شیرینی و آب قند به بیمار می خوراندند.
- ماهی کوچک رودخانه‌ای را می بلعند.
- در روستای میراکوه مهره زردی را می سوزانند، سپس آن را ساییده، در آب حل کرده بیمار را با آب آن می شویند، مقداری از آب را نیز می نوشند.

سوختگی کره یا روغن حیوانی می مالند.

بریدگی

- روغن نباتی می مالند.
- پارچه نخی را سوزانده خاکسترش را روی زخم و محل بریدگی می پاشند.
- یونجه را جویده روی زخم می بندند.

هاری

- پارچه نخی را سوزانده با کره آمیخته روی موضع زخم می بندند.
- از خانه‌ای که سگ هار متعلق به آن هاست خمیر نان گرفته بر موضع گازگرفتگی می بندند.

جمع شدن شیر در سینه زن شیرده

- ناگهان کاسه مسی سرد را بر سینه زن می زنند تا بترسد.
- لباس بچه یتیم را بر سینه زن می مالند.
- لنگه کفشی که حجاج در مکه پوشیده‌اند را بر سینه زنی که شیر در سینه‌اش جمع شده می مالند.

ازدیاد شیر مادر گندم را سرخ کرده به چوپان روستا می‌دهند تا با خود به صحرا ببرد موقع غروب پس گرفته به زن شیرده می‌خوراند، تا شیرش زیاد شود.

دمل

- پیاز را کباب کرده گرم روی دانه دمل می‌بندند، بعد از یک روز سر زخم را سوراخ می‌کنند و چرک خارج می‌شود.
- آلو بخارایی یا آلو سیاه را قبلاً خیسانده، بعد از جدا شدن هسته می‌کوبند، تا خمیر شود، خمیر مزبور را روی دانه دمل می‌بندند تا چرک خارج شود.
- پیاز را کباب کرده با صابون آب‌نדיده می‌جوشانند، سپس آن را روی دانه دمل می‌بندند.

فرو رفتن شیء خارجی در پوست یاغلی‌خمیر که مرکب از آرد، روغن و نمک است تهیه کرده یک روز روی موضع درد می‌مالند، تا سر زخم چرک کند، روز بعد با فشار دادن موضع چرک شیء و چرک خارج می‌شود.

شکسته‌بندی

دررفتگی

- معمولاً نزد سینخچی می‌برند وی با آب ولرم موضع دررفته را ماساژ می‌دهد. سپس به آرامی عضو را در موضع اصلی می‌چرخاند تا جا بیفتد برای خنثی کردن درد نیز به مدت ۲ روز یا بیشتر مرهم مرکب از زرده تخم‌مرغ و کوبیده نبات، که بر پارچه سفید آب‌نדיده مالیده‌اند، بر موضع درد می‌بندند.
- اگر دررفتگی پاشنه پا باشد با آب گرم ماساژ داده یک وردنه را زیر پای بیمار قرار داده، با حرکت دادن وردنه، عضو جا می‌افتد.
- زنجبیل و پی را با هم کوبیده مرهم به دست آمده را بر عضو دررفته یا موانداخته می‌بندند، تا درمان شود.

- اگر در نواحی دنده و جناق سینه احساس درد کند دلیل بر شکستن غضروف است. سقر و پارچه آب ندیده را روی دنده و قفسه سینه می‌بندند، سپس در طول شبانه‌روز به بیمار می‌گویند، مدام در یک شیشه بدمد، تا غضروف شکسته شده از لای گوشت خارج شده در جای خود قرار بگیرد.
- اگر دررفتگی کتف باشد، از زیر بغل به آرامی ماساژ می‌دهند، و به تدریج که بدن گرم شده از شانه‌ها و کتف بیمار را بلند می‌کنند تا کتف سر جایش قرار بگیرد.
- اگر یک طرف کتف در رفته باشد یک گلوله کاموایی را زیر بغل قرار داده در جهت‌های مختلف دست‌ها را می‌چرخاند، تا بعد از گرم شدن موضع درد به آرامی عضو را در جای خودش قرار بگیرد.

دررفتگی زانو یک کلاف کاموایی را زیر زانو قرار داده به آرامی می‌فشارند تا صدای جا افتان را بشوند.

دررفتگی لگن یک گاو‌میش را تشنه نگه داشته بیمار را بر پشت آن در حالی که پاهایش را زیر شکم گاو‌میش محکم می‌کنند و یک بالش نیز در زیر باسن بیمار قرار می‌دهند، گاو‌میش که به تدریج آب می‌خورد شکمش متورم شده، و لگن دررفته جای خودش می‌افتد.

دررفتن فک دو تا تخته را در دو طرف گذاشته با کمر بند محکم می‌بندند تا صدای جا افتادن فک شنیده شود. سپس موضع درد را با روغن حیوانی گرم شده ماساژ می‌دهند.

شکسته‌بندی

در صورتی که عضوی استخوانش بشکند در وهله اول استخوان شکسته شده، ساییده شده و حتی ممکن است گوشت و رگ لای استخوان قرار بگیرد.

بنابراین با لمس دست می‌فهمند که استخوان از چه جایی شکسته، در صورت امکان به رادیولوژی می‌روند و عکس نیز می‌گیرند. سپس نزد شکسته‌بندی که مدت ۶۰ سال به شکسته‌بندی در سراب شهرت دارد به نام آقای شکور عظیم‌زاده می‌برند. وی با استفاده از آب گرم اگر عضو دچار خونریزی نباشد، موضع درد را می‌مالد تا گرم شود، این کار را با روغن حیوانی و زنجبیل انجام می‌دهد، سپس عضو را با استفاده از دو تخته چوب محکم و صاف کرده، مرهم مرکب از عسل، بویاغ، زنجبیل، ازواء را که کاملاً کوبیده است با زرده تخم‌مرغ محلی مخلوط کرده، اندکی گرم کرده، روی پارچه آب‌نדיده کشیده روی عضو می‌بندند البته قبلاً دو تخته را بر می‌دارد یعنی پارچه باید مستقیماً روی پوست قرار بگیرد، بعد از چند روز عضو اگر جوش خورده باشد شروع به خاریدن می‌کند و در ظرف این چند روز ممکن است عضو متورم نیز بشود، از این رو اگر بیمار احساس درد و تب داشته باشد. مرهم را باز می‌کند تا از کیفیت جوش خوردن آگاه شود، اگر خوب جوش نخورده باشد و یا احتمال سیاه شدن گوشت باشد، مجدداً عضو را شکسته از اول شکسته‌بندی می‌کنند.

به نظر وی مرهم، که ساخته خودش است، چون نرم و گرم است برای عضو شکسته ضرر ندارد ولی گچ‌های پزشکی به علت سردی پوست، کمتر به بهبودی عضو کمک می‌کند، همچنین وی در صورتی که از گچ استفاده کند خودش به آن مقداری عسل و بویاغ و تقریباً معادل هفت گرم سقر اضافه می‌کند. تا رطوبت گچ را خنثی کند.

ختنه

در مناطق بررسی شده در سابق سن ختنه کودکان تقریباً در ۵ الی ۸ سالگی بود، برای این کار منتظر حضور استاد ختنه در روستا می‌شدند، و به محض آمدن وی همگی خانواده‌ها آماده برای مراسم ختنه‌سوران می‌شدند.

روش کار استاد ختنه ابتدا مقداری خاکستر گرم الک شده را روی آلت کودکان می‌ریزد، و به آرامی ماساژ می‌دهد تا پوست اضافه شده بی‌حس شود، سپس با استفاده یک میله فلزی پوست را صاف کرده، اضافه پوست را با استفاده از نی دو شاخ جدا کرده، با تیغ می‌برید، روی موضع زخم مجدداً ساییده زغال درخت

بید یا پنبه دوخته و روغن حیوانی می‌مالید تا خونریزی قطع شود، با استفاده از نوارهای پنبه‌ای حلقه‌ای درست می‌کند، و آلت را از لای حلقه رد کرده تا اینکه پوست زخم شده به جایی برخورد نکند، سپس دامن قرمزی را که از قبل آماده کرده‌اند بر تنش پوشانیده کودک را در بسترش می‌خوابانند.
- برای انجام ختنه معمولاً شاگرد با یکی از نزدیکان کودک به او کمک می‌کند و پاهای کودک را از هم باز نگه داشته و محکم نگه می‌داشت.

- بعد از ۳ الی ۴ روز حلقه سیاه می‌افتاد برای اینکه راحت‌تر بیفتد در محلول آب ولرم می‌نشانند، بعد از افتادن نیز با کره حیوانی چرب می‌کنند.

در مناطق بررسی شده برای کودک ختنه‌شده نیز معتقد به چله بودند و از ورود افراد ناپاک بر بالین وی ممانعت می‌کردند و بر بالینش یک سیخ فلزی، پیاز، پول خرد، و تخم‌مرغ و آب می‌گذاشتند و بعد از افتادن حلقه ختنه آن‌ها را بیرون می‌گذاشتند تا فقیری ببرد.

افرادى که به طبابت می‌پردازند

دلاک در اموری چون ختنه کردن و حجامت کردن فعالیت دارد.

ماما در اموری چون زایمان، سوراخ کردن گوش دختران و افتادن ناف فعالیت می‌کند.

شکسته‌بند در اموری چون شکسته‌بندی و دررفتگی اعضای بدن فعالیت می‌کنند.

حجامت‌چی برای درمان سرماخوردگی با استفاده از شاخ گاو تیغ خون‌گیری می‌کرد.

کوپه‌چی فردی که برای درمان سرماخوردگی و حصبه با استفاده از کوزه انداختن باد بدن را خارج می‌کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی